

ناکامی هر دو ترور به میان آمد، هر دو خواهان اصلاحات بودند و هر دو مغز متفکر جریانی به شمار می‌آمدند که توسعه ایران را هدف خود قرار داده بودند؛ هر دو نماینده مردم تهران بودند؛ یکی در مجلس و دیگری در شورای شهر و هر دو مشاور رئیس دولت بودند؛ یکی در مشاورت نخست‌وزیر و دیگری در مشاورت رئیس‌جمهور و هر دو در تلاش بودند با نگاهی به جمهوریت(سر مقاله‌های اختر امروز به قلم فاطمی و کتاب جمهوریت به قلم سعید حجاریان) طرحی نو دراندازند. به هر حال سعید حجاریان گذشته متفاوت و پرفرازونشیب‌تری نسبت به فاطمی داشت و در بیان گذشته تفاوت این دو بسیار است.

سعید حجاریان در نازی‌آباد تهران و در خانواده‌ای که بیشتر نگاه سوسیالیستی داشتند، متولد شده است. البته به گفته خود او پدرش در جلسات جریان‌های مختلف حضور داشته و او و برادرش در مدرسه الهی تحصیل کرده‌اند و او با خواندن کتاب‌های جلال آل احمد به سیاست علاقه‌مند شد. او گفته است: «یک معلم توده‌ای داشتیم که به ما کتاب می‌داد؛ شروع کردم به کتاب خواندن، به واسطه آن‌ها من ۲ سال قبل از کنکور می‌رفتم دانشکده فنی و از کتابخانه چپی‌ها و اسلامی‌های دانشکده فنی کتاب می‌گرفتم.» و همین موجب علاقه او به مرتضی مطهری و علی شریعتی می‌شود. در سال ۱۳۵۱ و در سن ۱۸ سالگی در کنکور شرکت کرد و با رتبه ۲ رقیم رشته مکانیک وارد دانشگاه فنی شد. در کنارش سر کلاس‌های هما ناطق، سیمین دانشور و شفیعی نیز حاضر می‌شد و برای آشنایی با فقه هم در جلسات اسدالله بیات‌زنجانی شرکت کرده و با نگاه مذهبی و سیاسی‌ای که داشت با ورود به دانشگاه عضو انجمن اسلامی دانشجویان شد. پس از آن هم در دوره سربازی آن زمان که امام خمینی دستور تخلیه پادگان را داد، او فرار می‌کند و در کاشان مدتی می‌ماند. با اوچ‌گیری انقلاب به تهران برمی‌گردد و به گفته خودش گروه «نازی‌آبادی»‌ها را راه می‌اندازد: «برگشتم نازی‌آباد و بچه‌های محله‌مان را سازماندهی می‌کردم. البته چند سالی بود که خانه ما پایگاه شده بود در نازی‌آباد. بچه‌های نارمک یک گروه داشتند به نام مکتب علی که جلال گنجهای به آن‌ها درس می‌داد. جلال گنجهای را گرفتند و بعد یک روحانی به نام همتی به آن‌ها درس می‌داد؛ که بعد از انقلاب نماینده خوزستان در خبرگان شد و خیلی طرفدار شریعتی بود. همتی را دعوت کردم خانه‌مان و بچه‌ها را جمع کردم و خانه خودمان جلسه هفتگی می‌گذاشتیم. فؤاد کرمی هم می‌آمد و عبدی و باقی و تقی محمدی و خلاصه همه بچه‌های نازی‌آباد و بچه‌های خزانة و یاخچی‌آباد و… می‌آمدند. به اسم تفسیر قرآن به بچه‌ها کتاب‌های شریعتی می‌دادیم و آن‌ها را سازماندهی می‌کردیم. عربی آموزش می‌دادیم. اعلامیه‌های امام خمینی را هم پخش می‌کردیم؛ اما اعلامیه گروه‌ها را پخش نمی‌کردیم، چون به گروه‌ها اعتماد نداشتیم.» بعد از پیروزی انقلاب هم به سربازی برمی‌گردد و مسئول کمیته نازی‌آباد می‌شود. او در اواخر سال ۱۳۵۷ وارد اداره دوم (مرکز اطلاعات پرسنلی، نظامی، سیاسی و جاسوسی ارتش) می‌شود، آن زمان بیشتر تمرکز در آن اداره به روی جلوگیری از وقوع کودتا بود و بعد مسئول اداره دوم نیروی دریایی ارتش می‌شود. او درباره این دوره فعالیتش که مهمترین حادثه آن تسخیر سفارت آمریکا در تهران بود، گفت: «من در تسخیر سفارت نبودم. تا قبل از تسخیر سفارت هم از تصمیم آن‌ها هیچ خبر نداشتیم. اصلاً دانشجو نبودم. اما وقتی که سفارت را گرفتند از من خواستند که بروم و درس دهم. نهج البلاغه درس می‌داد. مجموعه درس گفتارهایم هم سال ۱۳۵۸ چاپ شد. من آن موقت در اداره دوم ارتش بودم. در لانه دو دسته جاسوس بودند، نظامی و غیرنظامی. مطابق مسئولیتی که داشتم جاسوس‌های نظامی را برای بازجویی و تشکیل پرونده به من سپردند.» در این دوران او به‌عنوان عضو ی از سازمان مجاهدین انقلاب در کنار بهزاد نبوی، محسن آرمین، مصطفی تاج‌زاده، محسن رضایی، فیض‌الله عرب‌سرخی، مجتبی شاکری، محسن مخملباف، حسین فدایی و…. حضور پیدا کرد.

حجاریان پس از تشکیل اداره اطلاعات نخست‌وزیری و در سال ۱۳۵۹ با خواست خسرو تهرانی به اطلاعات نخست‌وزیری می‌آید. از جمله فعالیت‌های او در این دوره این بود که سیدحسن نصرالله را بازداشت می‌کنند و چند روز او را نگه می‌دارد تا در نهایت سپاه وساطت کرده او را می‌برند. همچنین در زمان حضورش در اطلاعات نخست‌وزیری حادثه ۸ شهریور و عملیات تروریستی ساختمان نخست‌وزیری و کشته شدن محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیری وقت رخ می‌دهد. او در این زمینه گفته است: «ادامه ماجرای انفجار نخست‌وزیری دستگیری‌ها دو نوبت بود. یکسری را اول گرفتند و چند سال بعد که اصلاً ماجرا بسته شده بود، دوباره عده‌ای را گرفتند. قوچکانلو و محسن سازگارا و علی تهرانی و کامران را دور اول و خسرو تهرانی و بیژن تاجیک و عده‌ای دیگر را دور دوم گرفتند. دور اول بیشتر بچه‌هایی را گرفتند که با بهزاد نبوی کار می‌کردند و جنازه (برای کشمیری، عامل انفجار نخست‌وزیری) را درست کرده بودند. دور دوم زمانی بود که آقای خوئینی‌ها دادستان شد و پرونده را دوباره به جریان انداخت. آقای خوئینی‌ها گفت که پرونده را می‌دهم دست خودشان که تا تهش بروند و معلوم شود که هیچی نیست و قضیه یک بار برای همیشه بسته شود. خسرو را گرفتند و



عکس: مجید سعیدی

▼ حرکت به سمت نظریه‌پرداز ی اصلاح‌طلبان

با پایان دولت میر حسین موسوی که چهره‌ای نزدیک به جناح چپ بود، فوت امام خمینی و تغییراتی که با بازنگری در قانون اساسی اتفاق افتاد، او عملاً از فضای قدرت در کنار اکثر هم‌جریانی‌هایش در جناح چپ فاصله گرفت. این تحلیل درباره او وجود دارد که او در ضلع سوم، سه تلاش برای پیشرفت و توسعه جامعه و کشور است؛ تلاشی در حوزه روشنفکری دینی که عبدالکریم سروش پیگیر آن بود؛ تلاش برای توسعه اقتصادی که اکبر هاشمی‌فسنجانی و دوران ریاست‌جمهوری او بخشی از آن در دوران پس از پایان جنگ دانست و توسعه سیاسی که بعدها با سیدمحمدخامنی و دوران اصلاحات مورد توجه بسیاری قرار گرفت. در نوشته‌ای به قلم سرگه یارسقیان درباره حجاریان چنین آمده است: «او اعتقاد داشت که بدون توجه به یک فرم سیاسی هر دوی این پروژه‌ها به لحاظ اجتماعی به بن‌بست می‌رسند و بدون توسعه سیاسی و دموکراسی نمی‌توان اصلاح دینی و اقتصادی کرد.» حجاریان پس از آنکه در دولت هاشمی‌رفسنجانی در سمت معاون سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری قرار گرفت، پروژه‌ای با عنوان «توسعه و نوسازی سیاسی» را در پیش گرفت اما به گفته او با مخالفت هاشمی‌فسنجانی روبه‌رو شد: «به همراه بهزاد نبوی، محسن آرمین، هاشم آغاچری، عباس عبدی، علیرضا علوی‌نبار، حسین بشیریه و برخی دیگر از استادان دانشگاه روی این پروژه‌ها کار کردیم اما حاصل این کار چندان مورد استفاده مسئولان قرار نگرفت، به همین خاطر خودمان تصمیم گرفتیم که این پروژه را اجرا کنیم.» او هم‌زمان به ادامه تحصیل در حوزه علوم سیاسی پرداخت و در سال ۱۳۷۲ با دفاع از تز دکتری با عنوان «موعودیت در انقلاب ایران و روسیه» زیر نظر حسین بشیریه، مدرک خود را از دانشگاه تهران گرفت و شاید همین دوران را باید ورود به فلسفیدن او در حوزه سیاست ایران دانست.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	م الف: ۱۳۰۱
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۵۱۰۰-۱۳۰۲/۱۱/۲۸-۱۴۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات بلااعراض متقاضی آقای مسعود رجبی فرزند محمود به شماره شناسنامه ۵۱۹۴ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۰۰ مترمربع پلاک ۶ فرعی از ۷۱ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران به موجب سند مالکیت مشاعی ثبت صفحه ۲۷۷ دفتر ۱۷۶ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۷	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲	

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	م الف: ۱۳۰۷
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ارضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۰۰۰۰۰۰۰۴۴۰۲/۱۱/۱۴۰۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلااعراض متقاضی خانم شوکت حسینیان فرزند آقا بالا به‌شماره شناسنامه ۷۵۱ صادره از اردبیل در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۶/۸۸ مترمربع پلاک ۱۱۱۴ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری طبق سند مالکیت مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲	

حوزه ثبت ملک شهری	
بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی سازمان اموال و املاک اداره کل شهرستان‌های استان تهران	
بازگشت به نامه شماره ۰۲۵۳۳۳۲-۱۴۰۲/۲/۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ وضعیت ثبتی پلاک ۱۳۹۲ فرعی از ۶ اصلی بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ به شرح ذیل اعلام می‌گردد. مشخصات ملک: یک قطعه زمین نوع ملک طبق به پلاک ثبتی ۱۳۹۲ فرعی از ۶ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۳۸ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۳۲۲ در طبقه و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۳۰/۲ مترمربع مشخصات مالکیت: مالکیت/ بنیاد مستضعفان فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۰۳ تاریخ ۰۳/۰۳/۱۳۵۹ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۴۴۴۳۳ سری سال که در صفحه ۹۲ دفتر املاک جلد ۶۹۲ ذیل شماره ۱۶۵۸۰۸ ثبت گردیده است. محدودیت: ندارد	
م الف: ۱۳۳۳	

سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری- از طرف سهراب عزیزنژاد

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم - شماره ۴۶۸
www.hammihanonline.ir

نظریه‌های پس از ترور / ۲

جمهوری لاجمهور

پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری دوره سیزدهم در یادداشتی می‌نویسد: «وارد دوره‌ای جدید از جمهوریت شدیم که «جمهوریت به‌شروط لا» یا به بیان دقیق‌تر «جمهوری لاجمهور» توصیف‌کننده آن است. در انتخابات ۱۴۰۰ پروژه بیگانه‌زدایی از سیستم تحت‌لوی نظارت استصوابی و سایر ابزارهای حذفی به نقطه اوج خود رسید؛ به‌نحوی که همه رؤسای‌جمهور بالقوه آمدند و هیچ‌کس نماند! در جمهوری لاجمهور رقابت و مشارکت توانان کاهش یافت‌و شد آنچه‌شد! جمهوری لاجمهور اما پایان راه نیست و چنانچه این وضعیت ادامه یابد، ممکن است نظام سیاسی ایران به‌صورتی دیگر تغییر شکل دهد؛ چنانکه تلویحاً گفته‌شد شاید در آینده انتخابات به‌معنای امروزی‌ن وجود نداشته باشد. در این رویه، سیاست به‌طور کلی از سلسله مسائل عمومی کشور خارج خواهد شد و همه چیز بر مدار اقتصاد خواهد چرخید.

دلایل اخلال در روند توسعه ایران

به چرایی دلایل اخلال در روند توسعه ایران می‌پردازد و ۵ عامل را در این زمینه دخیل می‌داند:
۱. سرمایه مادی: از یک سو، تحریم‌ها باعث شده‌اند اندک درآمد نفتی صرف هزینه‌های جاری کشور شود و از سوی دیگر، شماری از چاه‌های عمیق هزینه‌بر، موجب بلعیده شدن سرمایه‌های مادی کشور شده‌اند. ۲. سرمایه معنوی: که مشتمل بر نیروهای کیفی و ماهر است. طرف سرمایه معنوی کشور، از این منظر، به‌شدت در حالت کاهش است. ۳. تکنولوژی: در زمینه تکنولوژی با بحران‌ها و ابربحران‌هایی مواجه است. ۴. امنیت: می‌توان بر سر این گزاره توافق داشت که امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر هستند. ۵. مواد اولیه: ایران کشوری با ذخایر گازی و معننی متعدد محسوب می‌شود اما این ذخایر فعلیت‌ندارند.»

وسط بازی یا میانه‌ی قوی

در تفاوت وسط‌بازی با میانه‌ی قوی می‌نویسد: «وسط‌بازی ابژوی قدرت و یا ابزار تسهیل‌گر آن است حال آن که میانه‌ی قوی بر آمده از نوعی موازنه قواست و از سطح قابل‌قبولی از سرنوشت‌گی برخوردار است؛ وضعیتی که در قدرت‌گیری جامعه مدنی میان توده مردم و دولت پدید می‌آید. به دیگر سخن اگر فقره نخست از جنس گوشه‌چشم‌ها و عطایاست فقره دوم از نوع ائتلاف و قدرت‌سازی از پایین است. در واقع، جامعه‌مدنی به‌شرط آن که دولت‌ساخته نباشد و استقلال کامل داشته باشد، قادر است به نمایندگی از توده‌ها بر جامعه سیاسی اعم از دولت و احزاب اثر بگذارد و آن‌ها را مطابق مطالبات مردم جهت دهد. حال آن که در جامعه مدنی دولت‌ساخته‌ما صرفاً با صورت‌تک‌های مطالبه‌گر مواجه هستیم که اولاً قادر به چانه‌زنی با نهادهای قدرت نیستند زیرا خود برآمده از فرآیند نهادزدایی هستند و ثانیاً مطالبات متکثر جامعه‌را دفرمه می‌کنند زیرا ناگزیر از بازی در میدان محدود و از پیش تعیین‌شده‌هستند.»

خلاص‌سازی

در آبان ۱۴۰۲ در یادداشتی روند خالص‌سازی را با مقدمه‌ای از روش «داغ‌زدن» در علم پزشکی توضیح می‌دهد و سپس وارد روند خالص‌سازی شده و می‌نویسد: «خالص‌سازی نه ابتدای یک فرآیند است و نه انتهای آن. این فرآیند نخست از طریق نظارت استصوابی و دیگر ابزارهای حذفی و تبلیغی به‌منظور «مخلص‌سازی» و «غیریت‌ستیزی» انجام گرفت که طی آن بخش عمده‌ای از نیروهای سیاسی از صحنه رقابت حذف شدند. سپس، مرحله «خالص‌سازی» کلید خورد که در آن عبور از «مخلص‌ها» در دستور کار قرار گرفت. باری، انتهای فرآیندی که با «مخلص‌سازی» آغاز شد و اخیراً به «خالص‌سازی» رسیده است، به «خالص‌سازی» رهنمون می‌شود: «خالص‌سازی» بوروکراسی و عرصه عمومی از هر آن چیز و هر آن کس که «دیگری» محسوب می‌شود.»

نقدروانه گشایی

پس از برگزاری انتخابات یازدهم اسفند ۱۴۰۲، یادداشتی در نقد بیانیه روزنه‌گشایی نوشته که در آن یادآور می‌شود: «به گمانم شرط لازم گوششون هر روزنه‌ای در قالب یک پروژه سیاسی- فکری منسجم «زمان‌مندی» است. عاقبتی جز شکست برای آن متصور نیست. دوم، ایده‌ای که در پس و پشت این بیانیه طرح شده است، ما را به همان مفهوم «زمان‌باز اسسین» ارجاع می‌دهد. من این رویکرد را سال‌هایش در دو گام تجویز کرده بودم آن زمان سه عنصر می‌توانست ابعاد مختلف پروژه زمان‌بازاسین را پیش برانند. آن عناصر عبارت بودند از: «خواستن ساخت قدرت»، «آمادگی نظام جهانی» و «وجود عامل تغییردهنده». اگر نویسندگان /امضاءکنندگان در زمینه انتشار عنصر «زمان‌مندی» را نادیده گرفته‌اند، در این فقره دچار «زمان‌پریشی» شده‌اند که حتماً آسیب‌زاتر است، »